

۱

تازه دامادی که به اتهام شروع به قتل نوعروسیش دستگیر شد
 متهم که پسر ۲۳ ساله‌ای به نام عرشیا است، وقتی قهמיד همسرش قصد دارد مهریاش را به اجرا بگذارد و از او جدا شود به یکی از شهرهای غربی کشور رفت و کلت کمربندی به قیمت ۶۰۰ هزار تومان خرید تا همسرش را به قتل برساند. پسر جوان که به پنهان‌های تازه عروسیش را سوار خودروی خود کرده بود، اسلحه به روی او کشید و شلیک کرد، اما تازه عروس در حالی که خودرو به سرعت در حال حرکت بود خودش را به بیرون پرتاب کرد و به طرز معجزه‌آسایی نجات یافت. **عرشیا چطور با همسرت آشنا شدی؟**
 مدتی قبل با اتوبوس به شهرستانی می‌رفتم که با همسرم آشنا شدم. ما مدتی با هم از نیاط تلفنی داشتیم تا اینکه عاشقش شدم و تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. از آنجایی که هشت سال از من بزرگ‌تر بود خانوادهاش ابتدا مخالفت کردند، اما با اصرار من در نهایت ۱۱ ماه قبل عقد کردیم.



شما که عاشق همسرت بودی، چرا قصد داشتی او را با شلیک گلوله به قتل برسانی؟

مدتی بعد از ازدواج پنهان‌گیری‌های او شروع شد که قهמידم قصد دارم ۲۴۴ سکه مهریه‌اش را در دادگاه به اجرا بگذارد. همین موضوع باعث اختلاف ما شد.

یعنی فکر کردی با قتل همسرت همه چی درست می‌شود؟

من خیلی از زندان می‌ترسم و وقتی قهמידم او مهریه‌اش را به اجرا گذاشته است، قهמידم به زودی مرا دستگیری می‌کند و مرا به زندان می‌اندازد. به همین دلیل ابتدا خیلی به او اصرار کردم که از ششکایتش صرف‌نظر کند، اما فایده‌ای نداشت تا اینکه به یکی از شهرهای غربی کشور رفتم و اسلحه‌های خریدم و به تهران برگشتم. روز حادثه او را به پنهان‌های که به دادگاه بروم، سوار خودروام کرده‌ام و در میانه راه روی او اسلحه کشیدم و به طرفش شلیک کردم که خوشبختانه به او برخورد نکرد.

الان چه حسی داری؟
 خیلی بیشمارم هستم و خوشحالم از اینکه گلوله به او اصابت نکرد.

پس از روز حادثه هر شب کابوس می‌بینم
 همسر پسر جوان هم که به طرز معجزه‌آسایی از مرگ نجات یافته بود، صبح دیروز به اداره آگاهی آمد. او که با دیدن شوهرش دست و پایش به لرزه افتاده بود، با چشم‌های گریان گفت که خاطر اینکه همسرش همیشه او را تنگ می‌زده، در دادگاه درخواست جدایی داده است.

شوهرت مدعی است که به خاطر اینکه تصمیم به قتل شما گرفته بودی، مهریه‌ات را به اجرا گذاشته بودی، تصمیم به قتل شما گرفته بودی؟

نه دروغ می‌گویند. او با اصرار موفق شد خانواده‌ها مرا برای ازدواج با من راضی کند، اما من همان شب اول عروسی متوجه شدم که مرا انتخاب درستی برای زندگی‌ام نکرده‌ام. یادم است شب اول عروسی نیشخندی زدم که شوهرم مرا به اتاق برد و ما من برخورد بدی کرد. او روز بعد مرا کتک زد و گفت برای چه من نیشخند زده‌ام. همان لحظه قهמידم که او دست‌نیزن دارد، اما فکر کردم به مرور زمان اخلاقش خوب می‌شود. او در همان چند ماه اول چندین بار به پنهان‌های مختلف مرا کتک زد تا اینکه تصمیم گرفتم به صورت توافقی از او جدا شوم. اما شوهرم مرا تهدید به مرگ می‌کرد به همین دلیل مهریه‌ام را به اجرا گذاشتم تا مرا اطلاق بدهد.

درباره روز حادثه توضیح بده؟
 آن روز به من زنگ زد و گفت اگر مهریه‌ام را بپخشیم حاضر است مرا طلاق بدهد و بعد با من قرار گذاشت تا با هم به دادگاه برویم. وقتی سوار خودروی خودم به افتاد و ناگهان اسلحه‌های روی من کشید و به طرفم شلیک کرد که سرم را به طرف دیگری کشیدم و گلوله از کنار صورتم عبور کرد و بعد از ششکستن شیشه در خودرو به میزبان‌های برخورد کردم. او در حالی که به سرعت رانندگی می‌کرد، دوباره اسلحه‌ها را مسلح کرد تا مرا بکشد که در خودرو را باز کردم و در همان سرعت خودم را به داخل خیابان پرتاب کردم.



گزارش
 غلامرضا مسکنی



پلیس پایتخت از سارقان تازه‌کار رونمایی کرد

ورود سارقان تازه‌کار نشان می‌دهد ساز و کار پیشگیری از وقوع سرقت ناکام مانده است

طرح ردیابی و دستگیری متهمان را بنا به دستور فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در دستور کار خود قرار داده است و در همین راستا طی ۳۶ ساعت گذشته مأموران پلیس ۱۵۰ سارق را که در قالب ۲۹ باند مجرمانه شامل ۱۰ باند زورگیری و ۱۰ باند سرقت منزل و ۹ باند سرقت خودرو و لوازم خودرو فعالیت می‌کردند، شناسایی و دستگیر کردند. سردار محمدیان در ادامه با بیان اینکه از متهمان چندین دستگاه خودروی مسروقه



درصد از سارقان دستگیر شده، برخلاف دفعات گذشته، تازه‌کار و بدون سابقه کفبری هستند و این موضوع نشان می‌داد سرسته‌های باندهای سرقت به تازگی از میان جوانان و تازه‌کارها برای باندهای تبهکاری خود عضوگیری می‌کنند. به گفته سردار عباسعلی محمدیان، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ نوجوانان تشکیل می‌دهند بررسی‌های پرونده متهمان دستگیر شده حکایت از آن داشت این بار حدود ۵۰

مأمور پلیس آگاهی پایتخت باردیگر ۱۵۰ نفر از سارقان شهر را به صف کردند. حدود ۵۰ درصد سارقان دستگیر شده جوانان تازه‌کاری هستند که جدیداً عضو باندهای تبهکاری شده‌اند.
 به گزارش خبرنگار مسا، صبح دیروز مأموران پلیس آگاهی ۱۵۰ سارق را که طی ۳۶ ساعت گذشته در طرح جمع‌آوری سارقان دستگیر کرده بودند، دوباره در محوطه پلیس آگاهی به صف کردند. چهره سارقان و زورگیران نشان می‌دهد که تعداد زیادی از آنها را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند بررسی‌های پرونده متهمان دستگیر شده حکایت از آن داشت این بار حدود ۵۰

۲



قهرمان کشتی پس از اعتیاد به شیشه سارق حرفه‌ای شد
یکی از متهمانی که در این طرح به جرم سرقت لوازم خودرو دستگیر شده بود، پسر جوانی بود که سال‌ها قبل در رشته کشتی آزاد قهرمان کشور شده بود. متهم پس از اعتیاد به شیشه همراه تعدادی از دوستانش باند سرقت لوازم خودرو را تشکیل می‌دهد. چند سال داری؟
 سابقه ۲۴ ساله. به هشت پار سابقه سرقت و دعوای دارم. قبلاً ورزشکار بودی.
 بله. من قهرمان کشتی آزاد در رده نونهالان و نوجوانان بودم. سال ۸۵ نایب قهرمان کشور شدم.
چه شد که سارق شدی؟
 چند سال قبل پدرم خودرویی را که برای من خریده بود، به دلیلی فروخت که من با او قهر کردم و مدتی به خانه نرفتم. در این مدت با

۳



زندگی اعیانی در پنت‌هاوس با پول دزدی
 سارق اعیان‌نشینانی که با پول‌های سرقتی پنت‌هاوس شمال تهران اجاره کرده و با همسرش زندگی اعیانی را تشکیل داده بود، پس از دستگیری گفت که همیشه دوست داشته است همراه همسرش به صورت اعیانی زندگی کند.

خودت را معرفی کن؟
 ستار هستم و ۳۴ سال سن دارم.

به چه اتهامی دستگیر شده‌ای؟
 سرقت منزل.

توهایی به سرقت می‌رفتی؟
 نه ما یک باند سه نفره بودیم.

بیشتر در چه مناطقی سرقت می‌کردید؟
 فقط از خانه‌های شمال تهران. به نظر من یک سارق حرفه‌ای به خاطر مبلغ ناچیزی ریسک نمی‌کند. به همین دلیل من خانه‌های شمالی تهران را برای سرقت انتخاب می‌کردم تا پول بیشتری سرقت کنم. **بیشترین میزان سرقتی که انجام دادی،**

چقدر بود؟

من فقط از یک خانه در شمال تهران ۶۰۰ میلیون تومان پول، طلا و جواهرات و دلار سرقت کردم. امسال هم حدود ۴۰۰ میلیون تومان از سرقت پول گیرم آمد.

باین همه پول چه کار کردی؟

من و همسرم همیشه در حسرت زندگی اعیانی بودیم. به همین دلیل من تصمیم به سرقت از منازل شمال تهران گرفتم تا برای خودم و همسرم زندگی اعیانی تشکیل بدهم. مدتی قبل با پول‌های سرقتی یک پنت‌هاوس در شمال تهران به مبلغ ۲۸۰ میلیون تومان اجاره کردم و همچنین خودروی مدل بالای خارجی هم خریدم. من و همسرم با پول‌های سرقتی خوشگذرانی می‌کردیم و همیشه خودم را به دیگران تاجر معرفی می‌کردم، اما الان که دستگیر شده‌ام باید به زندان بروم و آنجا خبری از زندگی اعیانی نیست.

سابقه داری؟

بله سابقه سرقت منزل دارم.

وقتی آزاد شدی دوباره سرقت را ادامه می‌دهی؟
 زمانی که آزاد شدم، تصمیم می‌گیرم.

دوست دارم، پس از آزادی از دواج کنم

جیب‌بر حرفه‌ای تهران که چندین سال قبل از یکی از شهرهای شمالی به تهران آمده بود، دیروز صبح پس از دستگیری در سن ۵۵ سالگی گفت که توبه کرده‌ام و تصمیم دارم پس از آزادی به شهرمان بروم و آنجا ازدواج کنم. به گفته خودش او در جیب‌بری همانند گاو پیشانی سفید شده که همیشه مأموران پلیس پس از یک جیب‌بری به سراغش می‌آیند.

سرقت نکردید؟

ما تازه کار بودیم و تجربه نداشتیم. بیشتر اوقات به کاهنان می‌زدیم.

بیشتر توضیح بده؟

ما در هفت سرقت اولیه وقتی طلاها را برای فروش تحویل مالخر دادیم و متوجه شدیم هرچه سرقت بپرزیم را داخل گودالی در حال سوختن دیدم و به پلیس خبر دادیم. بعد از ثبت حرف‌های راننده کامیون، کارآگاهان با بررسی بانک اطلاعات افراد مفقود شده متوجه شدند که روز حادثه زن جوانی مأموران کلانتری ۱۵۱ یافت آباد را زنگ شدن ناگهانی مادر ۶۲ ساله‌اش با خبر کرده بود. از آنجا که احتمال داشت چند کشف شده متعلق به مادر شاکی باشد، بررسی‌ها در این باره به جریان افتاد و معلوم شد که جسد متعلق به همان زن ناپدید شده است. با کشف هویت مقتول تحقیقات برای شناسایی عامل حادثه به جریان افتاد. خیلی زود معلوم شد که پسر ۴۰ ساله مقتول که محمد نام دارد، صاحب یک خودروی تاکسی زردرنگ است. چند شماره‌ای هم که راننده کامیون از پلاک خودروی تاکسی در اختیار پلیس گذاشته بود با شماره پلاک خودروی محمد مطابقت داشت، بنابراین او به عنوان مظنون اصلی بازداشت شد.

محمد که اعتیاد شدیدی به تریاک و شیشه داشت و آثار خراش زیادی هم در صورتش وجود داشت، در اولین تحقیقات قتل را انکار کرد، اما در بازجویی‌های بعدی به جرمش اعتراف کرد. او توضیح داد: روز حادثه مادرم گفت که حالش بد است و خواست او را به بیمارستان ببرم. وقتی وارد بزرگراه آزادگان شدیم، قهמידم که می‌خواهد من را در کتب بستری کند. سر این موضوع بود که با او درگیر شدم. او به صورت چنگ انداخت. عصبانی شدم و با پیچ گوشتی که کنار صندلی داشتم چند ضربه به او زدم که کشته شد. بعد بدون هدف رانندگی کردم تا اینکه وارد یک جاده فرعی شدم. در جای خلوتی جسد را به گودالی در حاشیه جاده بردم. سپس به رویش بنزین ریختم و کبریت کشیدم. در همان حال متوجه شدم که یک کامیون در حال نزدیک شدن است به خاطر همین سوار تاکسی‌ام شدم و از محل دور شدم.

سررنگ کارآگاه حمید مکرّم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با توجه به اعتراف متهم به قتل مادرش، به دستور قاضی تحقیقات بیشتر از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.



شهادت مأمور پلیس هنگام تعقیب مجرم فراری

مأمور پلیس هنگام تعقیب مجرم فراری با شلیک گلوله به شهادت رسید.

ساعت ۱۱ روز دوشنبه، مأموران گشت کلانتری ملارد هنگام گشت‌زنی به یک خودروی عبوری مظنون شدند و به راننده فرمان ایست دادند. خودروی تحت تعقیب لحظاتی بعد در حاشیه جاده توقف کرد و مأمور کادر پلیس و سرباز همراهش در حال نزدیک شدن به آن بودند که ناگهان راننده با اسلحه کمربندی مأموران را هدف قرار داد و از محل فریاد برخاست. پس از وقوع حادثه سرباز پلیس که از ناحیه پا و مأمور کادر پلیس که از ناحیه سینه، شکم و پا هدف گلوله قرار گرفته بودند، به بیمارستان منتقل شدند. تلاش پزشکان برای نجات دو مأمور به جریان افتاد، اما خبر رسید که مأمور کادر به علت شدت جراحت به شهادت رسیده است. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس اعلام کرد که مشخصات خودروی متهمان در سیستم جامع پلیس درج شده و تلاش برای بازداشت آنها در جریان است.



پسر ناخلف دست به جنایت آتشین زد

پسر ناخلف وقتی متوجه شد مادرش قصد دارد برای کمک به وی او را در کمپ ترک اعتیاد بستری کند، دست به جنایت زد.
 به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۴ روز یکشنبه، ۱۷ بهمن ماه بود که جسد سوخته زنی سالخورده در حاشیه روستای چهل‌گیز قیامدشت پیدا شد. وقتی مأموران کلانتری ۱۷۴ قیامدشت در محل حاضر شدند، معلوم شد این زن لباس خارج از منزل به تن دارد و از ناحیه کمر به بالا دچار سوختگی شدید شده و قابل شناسایی نیست. وقتی پرونده به دستور قاضی به تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران سپرده شد، راننده یک دستگاه کامیون که خبر کشف جسد را گزارش داده بود، مورد تحقیق قرار گرفت. او در شرح ماجرا گفت: ساعت ۱۳:۴۵ روز حادثه از جاده فرعی معدنی که همان حوالی است، در حال عبور بودم که متوجه یک خودروی سواری زرد رنگ شدم که کنار جاده توقف کرده بود. از آنجا که فقط خودروهای سنگین در این مسیر تردد می‌کردند، تعجب کردم. وقتی به آن خودرو نزدیک شدم، متوجه شدم که تاکسی است. هنوز به خودروی تاکسی نرسیده بودم که شروع به حرکت کرد. در حال حرکت بود که موفق شدم چند شماره از پلاک خودرو را به ذهنم بسپارم.

منتهی به معدن، در حال تردد بودم که یک دستگاه خودروی زرد رنگ را بالای جاده معدن مشاهده کردم. تعجب کردم چرا که این جاده صرفاً محل تردد کارگران معدن است و آنها نیز به علت شرایط جاده، کمتر از خودروی شخصی استفاده می‌کنند. با نزدیک شدن به خودروی زرد رنگ متوجه شدم که خودروی تاکسی است؛ در حالی که فاصله زیادی از تاکسی نداشتیم. هنوز به خودروی تاکسی نرسیده بودم که شروع به حرکت کرد و من در آن لحظه موفق شدم قسمتی از شماره پلاک تاکسی را به ذهنم بسپارم. در حالی که تاکسی را از این ماشینتم می‌دیدم، متوجه دود بیرون از داخل گودالی در حال سوختن دیدم و به پلیس خبر دادیم. بعد از ثبت حرف‌های راننده کامیون، کارآگاهان با بررسی بانک اطلاعات افراد مفقود شده متوجه شدند که روز حادثه زن جوانی مأموران کلانتری ۱۵۱ یافت آباد را زنگ شدن ناگهانی مادر ۶۲ ساله‌اش با خبر کرده بود. از آنجا که احتمال داشت چند کشف شده متعلق به مادر شاکی باشد، بررسی‌ها در این باره به جریان افتاد و معلوم شد که جسد متعلق به همان زن ناپدید شده است. با کشف هویت مقتول تحقیقات برای شناسایی عامل حادثه به جریان افتاد. خیلی زود معلوم شد که پسر ۴۰ ساله مقتول که محمد نام دارد، صاحب یک خودروی تاکسی زردرنگ است. چند شماره‌ای هم که راننده کامیون از پلاک خودروی تاکسی در اختیار پلیس گذاشته بود با شماره پلاک خودروی محمد مطابقت داشت، بنابراین او به عنوان مظنون اصلی بازداشت شد.

محمد که اعتیاد شدیدی به تریاک و شیشه داشت و آثار خراش زیادی هم در صورتش وجود داشت، در اولین تحقیقات قتل را انکار کرد، اما در بازجویی‌های بعدی به جرمش اعتراف کرد. او توضیح داد: روز حادثه مادرم گفت که حالش بد است و خواست او را به بیمارستان ببرم. وقتی وارد بزرگراه آزادگان شدیم، قهמידم که می‌خواهد من را در کتب بستری کند. سر این موضوع بود که با او درگیر شدم. او به صورت چنگ انداخت. عصبانی شدم و با پیچ گوشتی که کنار صندلی داشتم چند ضربه به او زدم که کشته شد. بعد بدون هدف رانندگی کردم تا اینکه وارد یک جاده فرعی شدم. در جای خلوتی جسد را به گودالی در حاشیه جاده بردم. سپس به رویش بنزین ریختم و کبریت کشیدم. در همان حال متوجه شدم که یک کامیون در حال نزدیک شدن است به خاطر همین سوار تاکسی‌ام شدم و از محل دور شدم.

سررنگ کارآگاه حمید مکرّم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با توجه به اعتراف متهم به قتل مادرش، به دستور قاضی تحقیقات بیشتر از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.